بسم الله الرّحمن الرّحیم

خطبه‌ی ۲۸ صفر ۳۰ آذر ۹۳

حمد و شکر پروردگار کریم و عظیم را سزاست حمدی به طول شش روز خلقت و به وسعت هستی و به عظمت عرش کبریایی، به دانه‌های باران و ستارگان درخشان و ثانیه‌های زمان. نیست معبودی غیر از خداوند رحمان.

خداوندا تو را شاکریم که خود فرمودی که: مرا در صبحگاهان و شامگاهان تسبیح گویید پس ای پروردگارم، در گنجینه‌ی جانم پوششی از پوست و گوشت آفریدی تا نمادی از عظمت خلقتی باشد که میراث‌دار نام خلیفه است پس شهد این نام مبارک را از احاطه‌ی نفس اماره به جلالت بارگاه با عظمتت رهایی بخش تا کام جان با آن شیرین شود و دعا و مناجات از حصار کلمه آزاد گشته و به انوار روح بپیوندند و سلام گنجینه‌ای است که رمزش در جاودانگی نامش نهفته است و نامش متبرک از بارگاهی با جلالت است تا زبان به عطرش به سخن درآید و جان، رمزش را با شعله‌ی عشق بگشاید، انوارش جاودانگی را معنا کند، زمان به خدمتش درآید و جان مطهرش را با آن زینت کرده و ابراز دارد: سلام بر رحمتی که سایه‌ی محبتش کلام را خلق نموده تا گوشتی ناتوان به حرکت درآید، در زندان دهان با نامی که پرتوی با عظمتش معنا کننده‌ی خالق و مخلوق است از آن خارج گشته و آفرینش را در شعله‌ی نامش جای دهد.

چه زیباست توصیف کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) از دعا و مناجات در قالب ابراز عشق همراه سوز و گداز عاشقانه به خداوند جلیل و جمیل و رحیم.

مزین می‌کنیم خطبه را به فرموده‌ی گهربار ایشان در مورد رحمت للعالمین رسول اکرم خاتم انبیا حضرت محمد (ص) که انتخاب نام خاتم انبیا برای آخرین پیامبر الهی در خود اعجازی شگفت‌انگیز را مژده می‌دهد جانی که هدایت پیامبران را در جان با عظمتش خلاصه فرمود و توانست انوار روح را در قالب جان مطهرش جای دهد پس

امتش میراث‌دار ثروتی تمام نشدنی است و جهان با نام محمد از جسم خاکی خویش رها گشته و از پوسته‌ی ظاهری جدا شده و ملکوتیان را بر آستان باعظمت جانی دعوت می‌کند که روح مطهرش جمع کننده‌ی عجایب خلقت بود پس سلطنتش تا قیامت بر کرسی زمین باقی خواهد ماند و زمین و آسمان در درخشش هدایتش از ظلمت به انوار خلقت مزین خواهد گردید.

در این روز حزن و اندوه روز رحلت بهترین بنده و رسول خدا حضرت محمد (ص) که سنگینی غم آن تا قیامت بر زمین سایه افکنده می‌خواهیم به گوشه‌ای از فضایل بی‌نظیر ایشان اشاره‌ای کنیم؛ چون اندیشه و زبان ما قاصر از بیان بزرگی شأن و مقام ایشان است پس از فرموده‌ی امیر مؤمنان علی (ع) بهره می‌گیریم که فرمودند: خداوند رسول‌الله را از شجره‌ی انبیا و از مشعل نورافشان و از تارک اولیا و از چراغ‌هایی که تاریکی را از بین می‌برند و از سرچشمه‌های دانایی آفرید. او پزشکی بود که با وسایل پزشکی خود مرهم‌ها برای دردها و زخم‌ها و آهن‌های تفته برای درمان سایر آلام بین مردم می‌رفت و وقتی می‌دید که کسانی چشم دارند و نمی‌بینند و گوش دارند و نمی‌شنوند و زبان دارند و نمی‌توانند تکلم نمایند با داروهای خود که همان موعظه و حکمت بود آن‌ها را بینا و شنوا و گویا می‌کرد و اگر او با داروهایش در صدد درمان آن‌ها برنمی‌آمد آن‌ها در زندگی مانند چهارپایانِ چرا کننده و سنگ‌های سخت به جا می‌ماندند؛ بار دیگر نظر به آن‌ها بیندازید تا اینکه تأثیر نعمت‌های خداوند را مشاهده کنید و همین که خداوند رسول‌الله را برای رهبری آن‌ها انتخاب کرد پراکندگی آنان مبدل به جمعیت و کینه و نفرتشان مبدل به الفت و نعمت فراوان نصیب آن‌ها گردید به‌طوری‌که امور آن‌ها رونق گرفت و تثبیت شد تا مرحله‌ای که حکمرانان جهان و سلطان سرزمین‌های اطراف شدند و همان‌ها که در گذشته بر آن‌ها حکم می‌راندند مجبور شدند که احکام آن‌ها را بپذیرند و از آن پس نه کسی جرئت داشت که نیزه‌ای به آن‌ها بزند و نه کسی را یارای آن بود که سنگی به طرفشان پرتاب نماید.

حال ای مهمانان کوی معرفت و عشق که در این روز در اینجا جمع شدید که در غم رحلت پیامبر عظیم‌الشأن خود عزاداری کنید باید که در غمی بزرگ‌تر بر سینه زنید و فغان و ناله کنید چون ایشان در اواخر عمر به امت خود فرمود من در مقابل این همه رنج و سختی در رسالت و هدایتم و خیر و برکتم برای شما مزدی نمی‌خواهم و این خیر و برکت را بعد از خودم با به جا گذاشتن دو نعمت الهی قرآن و اهل‌بیتم تا ابد برای شما باقی می‌گذارم؛ از آن‌ها خوب نگهداری کنید تا نجات و سعادت دنیا و آخرتتان را در پی خواهد داشت ولی افسوس و ۱۰۰ افسوس امتش با این دو امانت چه کردند؟ قرآن را مهجور و اهل‌بیتش را نه تنها محبوب نداشتند بلکه به دشمنی آنان اصرار ورزیدند که در قسمتی از دعای ندبه می‌خوانیم «الْاُمَةُ مُصِرَةٌ على مَقتِهِ مُجتَمِعَةٌ على قَطيعَةِ رَحِمِه و إقصاءِ وُلدِه» امت پیامبر گرامی اسلام نه تنها به سفارش این‌که از اهل‌بیتش که برای نجات از جهل و گمراهی اطاعت کنند را نادیده گرفتند بلکه در دشمنی و اسیری و زندانی و کشتن آن‌ها همه‌ی نیروی خود را جمع کرده و در آن اصرار ورزیدند. این فاجعه‌ی عظیم داغ ننگی است که تا ابد بر پیشانی این امت قدر ناشناس و ناسپاس نقش بسته. اگر خوب به عمق و بزرگی این فاجعه توجه شود از شرم باید آب شد و در زمین فرو رفت یا سینه چاک کرده و فغان و فریاد نمود. پیامبری که خیر و برکتش به‌واسطه‌ی رحمت للعالمین بودنش یعنی رحمت بر عالمین دنیا و برزخ و قیامت تا ابد بر امتش جاریست و عمر مبارکش در راه هدایت مردم گذشت و پروردگار کریم فرموده هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است.

بله پیامبری چنین رئوف و مهربان برای هدایت بشر و رضایت الهی جان عزیزش را بر کف نهاد و تن نازنین خود را در معرض رنج‌ها قرارداد تا مردم را از جهل و گمراهی نجات دهد و برایشان خیر و برکت دنیا و آخرت را به ارمغان آورد برای کسانی که در پست‌ترین نوع جهالت و گمراهی یعنی بت‌پرستی بودند و در فقر و دور از هرگونه فضایل انسانی با قتل و غارت یکدیگر زندگی می‌کردند پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) بهترین و کامل‌ترین دین یعنی اسلام را به آنان عرضه داشت و در کمتر از چند

دهه به ثروت و مقام دنیایی رسیدند و بعد از خود دوام این برکت و عزت را در اطاعت از اهل‌بیتش اعلام فرمود اهل‌بیتی که همه‌ی خصایل و فضایل ایشان را به ارث برده بودند و به چیزی غیر از نجات و هدایت امتشان نمی‌اندیشیدند و در این راه با جان و مال و فرزند خود پایداری و تلاش کردند در مقابل، امتش اصرار بر دشمنی و کینه‌توزی داشتند و دارند پس آنان نه به توحید، نه نبوت، نه معاد ایمان آوردند که اگر ایمان داشتند و دارند پس چگونه در قیامت در برابر خداوند و پیامبر و اهل‌بیتش خواهند ایستاد؟

و این روز مصادف است با یک نمونه از این ناسپاسی و ظلم یعنی شهادت کریم اهل‌بیت اولین گوهر دردانه‌ی رسول‌الله حضرت امام حسن مجتبی (ع) که از زبان مادر گرامی‌شان بزرگی شأن و مقام ایشان نزد پروردگار کریم را بیان می‌کنیم که پس از در آغوش گرفتن فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی علیه‌السلام چنین فرمودند: بار دیگر حرارت قلبم را در جسم خاکی جانم آن‌چنان حس کردم که ملکوتیان به تماشا ایستادند عرضه داشتند: ای دخت پیامبر در جان مبارکتان چه اسراری شکوفا شد که این چنین به سخن درآمد و من پاسخ دادم: آنگاه که پروردگارم امر فرمود من خلیفه‌ای می‌آفرینم صورتی مطهر نمایان گشت همگان به تماشایش سرمست گشتند و پروردگار فرمود: این نقش را به خاطر بسپارید تا راز عشق را آشکار سازم همگان سر تسلیم فرود آوردند آن نقش در جان من جای گرفت و نامش آشکار گردید پس نام حسن آشکار کننده‌ی حسن خلقت است در نقش‌پذیری صورت خلیفه.

تمام نقش‌ها نشان از خالقی مدبر دارند که آمدنشان امر پروردگار را در قالب جان‌ها به نمایش می‌گذارد تا ضربان قلب‌ها را به یک ضربان ختم کند و آن ضربان توحید است پس محبت به فرزندان من محبت به خلقتی با عظمت است پس نامشان را زینت جانتان کنید و همواره حرارت محبت پروردگارتان را در قالب سینه‌تان حس کنید.

اینک ضمن عرض تسلیت خدمت مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به مناسبت رحلت جد بزرگوارشان و شهادت پدر گرامی‌شان امام حسن مجتبی

(ع) به وجود مبارکشان عرضه می‌داریم: یابن رسول‌الله ما در این روز و همه‌ی ایام از دشمنان اهل‌بیت مخصوصاً منکران و دسیسه کنندگان و ستیزه جویان شما برائت و بیزاری می‌جوییم و از وجود گهربارتان در عمل راستین به مودت اهل‌بیت به تمنا یاری می‌طلبیم.

ای مهمانان کوی عشق ما چه سعادتمند هستیم که خداوند کریم خاتم انبیا و خاتم امامان را به ما روزی فرمود و پیامبر گرامی که رسالتش آغاز شکوفایی حق بود و ادامه‌ی رسالتش هم در همین خلاصه می‌شود او میراث‌داری را به یادگار دارد که مولای عصر و زمان است درکش همانند درک آیات کریمه است آیاتی که عزت را جاودانه می‌سازد و باطل را ناچیز می‌شمارد پس جان‌هایی با این عزت پروردگار عالم همراه خواهند شد که سر بر پیشانی حق گذارند و از نفس اماره بگریزند و برای رهایی‌اش فریاد کنند:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com